

ارائه مدل باز آفرینی اقتصادی بافت تاریخی با تأکید بر نظم در نظریه کارکردگرایی ساختاری*

محمود محمدی** شهریار ناسخیان*** آرزو ایزدی****

چکیده

بافت تاریخی با توجه به ابعاد، موقعیت قرارگیری، نقش اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در شهر، ضمن تأثیراتی در کارکرد عملکردهای مختلف شهری، ثروتی ارزشمند محسوب شده که می‌تواند تأثیر مهمی در توسعه و پیشرفت شهرها ایفا نماید. امروزه رویکرد بازآفرینی پایدار شهری با هدف بهبود همه‌جانبه و پایدار در وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی بافت‌های تاریخی، پا به عرصه مرمت و حفاظت گذاشته است. در حوزه علوم اجتماعی، نظریه کارکردگرایی ساختاری پارسونز با هدف برقراری نظم، تعادل، حفظ و بقای نظام اجتماعی و بر اساس اصول مطرح‌شده در دیدگاه سیستمی، به‌وجود آمده است. در این نظریه، پارسونز، نظام اجتماعی را به چهار حوزه تقسیم می‌کند که هر کدام از این حوزه‌ها وظیفه‌ای خاص در قبال کل نظام اجتماعی بر عهده دارند. این نظریه از حیث جامعیت و بررسی ابعاد مختلف، شباهت‌هایی با رویکرد بازآفرینی پایدار شهری دارد. در این پژوهش، بافت تاریخی به‌عنوان خرده‌نظام فرهنگی در سیستم شهر تعیین شده که بنا بر نظریه کارکردگرایی ساختاری، خود به‌عنوان یک نظام اجتماعی مفروض است که باید شروط کارکرد و برقراری نظم نظام را داشته باشد. این پژوهش به‌دلیل وسعت موضوع، صرفاً بعد اقتصادی بازآفرینی بافت تاریخی را مد نظر قرار داده است. مطالعات بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی هر کدام مؤلفه‌هایی را معرفی کرده‌اند ولی تا کنون مدلی در این عرصه معرفی نشده است؛ به‌همین دلیل، این پژوهش با هدف ارائه مدل بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی بر اساس نظریه کارکردگرایی ساختاری و برقراری نظم و تعادل در این سیستم، لازم و ضروری به‌نظر می‌رسد. در پژوهش حاضر با روش تحقیق اسنادی و با روش تحلیل - محتوای کیفی، به بررسی اسناد، بیانیه‌ها، منشورهای بازآفرینی و ادبیات پژوهش این حیطه پرداخته شده است. اعتبار محتوای پژوهش با ضریب توافق ۸۷٫۶ درصد میان اساتید و متخصصان مرمت و حفاظت در آزمون اسکات تأیید شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که مؤلفه ارزش اقتصادی، وظیفه سازگاری، مؤلفه سرمایه‌گذاری، وظیفه تعیین اهداف، فعالیت‌های اقتصادی درون بافت، وظیفه خرده‌نظام یگانگی و مؤلفه برندسازی، وظیفه حفظ الگوهای پنهان بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی را بر عهده دارند.

کلیدواژه‌ها: باز آفرینی، باز آفرینی اقتصادی، بافت تاریخی، کارکردگرایی ساختاری پارسونز، نظم اجتماعی

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری آرزو ایزدی با عنوان «تبیین مدل بازآفرینی پایدار بافت تاریخی با تأکید بر نظریه کارکردگرایی ساختاری» به‌راهنمایی دکتر شهریار ناسخیان و دکتر محمود محمدی در دانشگاه هنر اصفهان می‌باشد.

m.mohammadi@au.ac.ir

** استادیار، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اصفهان.

s.nasekhian@au.ac.ir

*** استادیار، دانشکده مرمت و حفاظت، دانشگاه هنر اصفهان.

a.izadi@au.ac.ir

**** دانشجوی دکتر، دانشکده مرمت و حفاظت، دانشگاه هنر اصفهان.

مقدمه

امروزه الگوی رایج برنامه‌ریزی احیا و مرمت ناحیه تاریخی شهرها، برنامه‌ریزی سیستمی و همه‌جانبه است که در یک فرآیند به هم پیوسته و منسجم، مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، جمعیتی و کالبدی را با هم و برای هم می‌بیند و تلاش می‌کند که ضمن تحلیل ویژگی‌ها و اثرات آنها بر یکدیگر، پیوندی میان آنها برقرار کرده و در نهایت، برنامه‌ای جامع و یکپارچه جهت برنامه‌ریزی مرمت ناحیه تاریخی شهرها ارائه نماید. تجربه نشان داده است که برنامه‌های تک بعدی و یک‌جانبه ضمن این‌که مشکلات را برطرف نکرده، بلکه اخلاقی جدی در سیستم حیات شهری ناحیه تاریخی به دنبال داشته است؛ بنابراین توجه به جوانب مختلف موضوع و برنامه‌ریزی منسجم و جامع بر اساس مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدیریتی و ... تضمین‌کننده سایر برنامه‌ها است. رویکرد بازآفرینی شهری، یکی از جدیدترین رویکردهای پذیرفته‌شده در مواجهه با بافت‌های تاریخی است. زمینه ظهور این رویکرد را باید توجه به اصول مطرح‌شده در توسعه پایدار و اهمیت یافتن نقش مشارکت گروه‌های ذینفع در فرآیند برنامه‌ریزی شهری دانست. دهه ۱۹۹۱، چارچوب جدیدی برای فرآیند بازآفرینی شهری را به ارمغان آورد، توجه خاصی به کیفیت زندگی به خصوص در محلات محروم شد و در نتیجه، راهبردهای بازآفرینی شهری، رویکرد وسیع‌تری را شامل شد (vilaplana, 1998: 1). از ویژگی‌های رویکرد بازآفرینی، توجه هم‌زمان به ابعاد اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی و فرهنگی بافت‌های تاریخی است. این پژوهش به دلیل وسعت موضوع، تنها بعد اقتصادی بازآفرینی را مد نظر قرار داده است. در هر یک از مطالعات صورت گرفته در این حیطه، مؤلفه‌هایی جهت تحقق بازآفرینی اقتصادی ارائه شده‌اند ولی تا کنون مدل و الگوی جامعی که بعد اقتصادی بافت تاریخی را دارای کارکرد کرده باشد، ارائه نشده است؛ لذا از این جهت، این پژوهش لازم و ضروری به نظر می‌رسد. در این پژوهش به منظور ارائه مدل بازآفرینی اقتصادی، از نظریه کارکردگرایی ساختاری استفاده شده؛ چرا که این نظریه بر اساس رویکرد سیستمی در علوم اجتماعی به وجود آمده است و به لحاظ جامعیت و بررسی ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی و فرهنگی، تشابه زیادی با رویکرد بازآفرینی بافت تاریخی دارد و می‌تواند در ارائه مدل بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی از آن بهره جست. هدف پژوهش پیش رو، ارائه مدل بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی با تأکید بر نظریه کارکردگرایی ساختاری و برقراری نظم و تعادل در این سیستم است. بدین منظور، معرفی

مؤلفه‌های بعد اقتصادی بازآفرینی و تعیین نقش هر کدام بر اساس نظریه کارکردگرایی ساختاری، از اهداف فرعی پژوهش هستند. بر این اساس، پژوهش پیش رو در راستای پاسخ‌گویی به پرسش «مدل بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی بر اساس نظریه کارکردگرایی ساختاری چیست؟»، دو پرسش فرعی زیر را نیز پاسخ‌گو است:

- ۱) مؤلفه‌های بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی کدام هستند؟
 - ۲) نقش هر یک از مؤلفه‌های بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی بر اساس نظریه کارکردگرایی ساختاری چیست؟
- در پژوهش پیش رو، ابتدا به مبانی نظری رویکرد بازآفرینی بافت تاریخی و نظریه کارکردگرایی ساختاری پرداخته خواهد شد، سپس مؤلفه‌های بازآفرینی بافت تاریخی با توجه به اسناد، بیانیه‌ها و منشورهای بازآفرینی استخراج شده و بر اساس نظریه کارکردگرایی ساختاری، نقش هر یک از آنها تعیین می‌شود.

پیشینه تحقیق

از منشور آتن (۱۹۳۱) تا منشور آمستردام (۱۹۷۵)، بیش از چهار دهه طول کشید تا کشورهای توسعه یافته از پرداختن به تک بنا غافل شوند و به مداخله در مراکز ارزشمند قدیمی و تاریخی با هدف تجدید حیات (بازآفرینی) و روان‌بخشی آنها بیندیشند. طرح پیشنهادی تامسون، یکی از نخستین بیانیه‌های بازآفرینی و نوزایی شهری محسوب می‌شود (فرخ زنوزی، ۱۳۸۰: ۸).

نوها ناصر^۱ (۲۰۰۳) در طرح پژوهشی خود با عنوان "برنامه‌ریزی برای مکان‌های تاریخی شهری: بازسازمان‌دهی، حفاظت، توریسم و توسعه پایدار" با تأکید بر دوگانگی موجود میان حفاظت و تغییر در بافت‌های تاریخی، به ارائه معیارها و شاخص‌های فرهنگ‌مدار در حفاظت بافت‌های تاریخی مبتنی بر توسعه پایدار برای حضور گردشگران و سرزندگی اقتصادی در این مکان‌ها می‌پردازد. نتایج تحقیقات وی ضمن ارائه برخی معیارهای مؤثر در پایداری بافت‌های تاریخی، بیانگر ارتباط متقابل بازآفرینی و توسعه پایدار است.

استابس^۲ (۲۰۰۴) در پژوهشی تحت عنوان "پایداری بافت‌های تاریخی: ارائه روشی برای ارزیابی پایداری در محیط تاریخی"، در مطالعات نظری وسیع به ارائه مسائل بافت‌های تاریخی در سه بعد اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی و عمومی پرداخته و متناسب با هر یک از مسائل، معیار مورد نیاز برای ارزیابی سطح پایداری نیز مد نظر بوده است.

زنگی‌آبادی و مؤیدفر (۱۳۹۱) در پژوهشی با تعیین شاخص‌های اقتصادی، مدیریتی، اجتماعی و فرهنگی، به

استفاده از این نظریه انجام داده است؛ از آن جمله می‌توان به کتاب "جامعه‌شناسی نظم" اشاره داشت. در این کتاب، چلبی (۱۳۸۲) به تجزیه نظم اجتماعی با استفاده از مدل کارکردگرایی پرداخته است. تا کنون پژوهش‌های بسیاری در زمینه آموزش و پرورش، نیروی انتظامی، حقوق و مدیریت با مدل کارکردگرایی انجام شده‌اند، ولی در بافت تاریخی از این نظریه استفاده نشده است. استفاده از نظریه کارکردگرایی ساختاری در ارائه مدل بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی، از چند جهت قابل بررسی است:

- رویکرد بازآفرینی پایدار بافت تاریخی بر اساس رویکرد سیستمی و در نظر گرفتن بافت تاریخی به‌عنوان جزئی لاینفک از شهر، در نظر گرفته شده است. نظریه کارکردگرایی ساختاری نیز بر اساس رویکرد سیستمی در علوم اجتماعی شکل گرفته است. از نکات اصلی این نظریه، توجه به اجزای سیستم برای رسیدن به هدف مشخص است؛ لذا یکی از وجوه تشابه نظریه کارکردگرایی و رویکرد بازآفرینی، سیستمی بودن هر دو است.

- رویکرد بازآفرینی پایدار، نگرشی همه‌جانبه به ابعاد کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مدیریتی بافت تاریخی دارد و بهبود همه این ابعاد را به‌عنوان هدف اصلی دنبال می‌کند. در نظریه کارکردگرایی ساختاری نیز ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به‌عنوان اجزای اصلی سیستم تعریف می‌شوند که به‌لحاظ دارا بودن کارکرد و رسیدن سیستم به نظم و تعادل، هر یک از این ابعاد باید در جایگاه خود با وظایف تعیین‌شده قرار گیرند؛ لذا از وجوه تشابه دیگر نظریه کارکردگرایی ساختاری و رویکرد بازآفرینی پایدار بافت تاریخی، توجه به ابعاد مختلف برای رسیدن به هدف مشخص است.

- هر کدام از پژوهش‌های صورت‌گرفته در بازآفرینی پایدار بافت تاریخی، مؤلفه‌هایی را برای سنجش و ارزیابی آن مد نظر قرار داده‌اند، ولی تا کنون مدلی جامع در این باره که این رویکرد را دارای کارکرد کرده و به نظم و تعادل رسیدن بافت‌های تاریخی کمک کرده باشد، ارائه نشده است. لیکن با توجه به دلایل ذکرشده، می‌توان مدل بازآفرینی پایدار بافت تاریخی را بر اساس نظریه کارکردگرایی ساختاری ارائه نمود. این پژوهش به‌دلیل وسعت هر دو موضوع، تنها به بعد اقتصادی اکتفا نموده است.

روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش سعی در ارائه مدلی در بافت تاریخی دارد که از تلفیق رویکرد بازآفرینی شهری و نظریه کارکردگرایی ساختاری پدید خواهد آمد؛ لذا این پژوهش در حیطه پژوهش‌های

بررسی رویکرد بازآفرینی پایدار در برزن شش بادگیر شهر یزد پرداخته‌اند. شاخص‌های اقتصادی تعیین‌شده در این پژوهش عبارتند از قیمت زمین و اجاره بها، سرمایه مالی ساکنین و سرمایه‌گذاری دولتی و بخش خصوصی.

اسماعیل قادری و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهش خود، شاخص‌های اقتصادی، مدیریتی و اجتماعی را به‌منظور تدوین راهبردهای مدیریتی بافت‌های تاریخی در نظر گرفته‌اند. شاخص‌های اقتصادی این پژوهش عبارتند از فعالیت‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و دولتی و ارزش افزوده املاک. بر اساس نتایج این پژوهش، ضعف مدیریت یکپارچه و فقدان برنامه‌های مرمتی مناسب، از مهم‌ترین دلایل بروز چالش در بافت تاریخی است.

حسن‌زاده و سلطان‌زاده (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان "طبقه‌بندی راهبردهای برنامه‌ریزی بازآفرینی بر اساس سطح پایداری بافت‌های تاریخی"، شاخص‌های پایداری را بررسی کرده‌اند. از شاخص‌های اقتصادی بررسی‌شده در این پژوهش می‌توان به خودکفایی، سودآوری و جذابیت اقتصادی اشاره داشت.

هوستن و رحیم‌زاده^۳ (۲۰۱۴) در پژوهش خود، به ارزیابی ۱۰ پروژه بازآفرینی پایدار شهری در شهر لندن پرداخته‌اند. این پژوهش، شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی را در نظر گرفته است. برخی از شاخص‌های بررسی‌شده عبارتند از مقاومت‌سازی، خلاقیت، مقیاس، پایداری، مشارکت، طراحی، مصالح و مواد، مدیریت فقر، میزان سرمایه‌گذاری. نتایج این پژوهش، افزایش مالیات و عرضه اوراق اجتماعی را به‌عنوان راهکاری جهت تأمین منابع مالی بازآفرینی پایدار پیشنهاد می‌دهند.

ماریچلا سپه^۴ (۲۰۱۴) در پژوهش خود، مؤلفه‌های سرمایه‌گذاری و قدرت نفوذ را به‌عنوان شاخص‌های بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی معرفی می‌نماید. وی در این پژوهش، بازآفرینی شهری را نیازمند ترکیب پیچیده‌ای از کنشگران، هنجارها، فرآیندها و برنامه‌ها در مقیاس مختلف می‌داند و همچنین اقتصاد محلی، مشارکت و هویت محلی را از عوامل مهم برای بازآفرینی و تولید شهر خلاق پیشنهاد می‌دهد.

فورلن و فاگین^۵ (۲۰۱۷) در پژوهشی تحت عنوان "بازآفرینی شهری: حافظ میراث فرهنگی و پیچیدگی اجتماعی بافت شهری"، بازآفرینی شهری را به‌عنوان رویکردی جهت مقابله با پراکندگی شهری مطرح می‌کنند. در این پژوهش، بازآفرینی شهری، منبع ایده جهت طراحی جوامع پویا معرفی می‌شود. در نظریه کارکردگرایی، برجسته‌ترین نظریه‌پرداز، تالکوت پارسونز بوده است. مسعود چلبی پژوهش‌های بسیاری با

کیفی قرار می‌گیرد. روش پژوهش پیش رو به دلیل کشف مؤلفه‌های بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی و نقش آنها در نظریه کارکردگرایی ساختاری و هم‌چنین ارائه مدل در این زمینه و نیز با توجه به مطالعه اسناد، بیانیه‌ها، منشورهای مرمت و حفاظت، روش اسنادی^۶ است.

روش اسنادی، روشی کیفی است که پژوهشگر تلاش می‌کند تا با استفاده نظام‌مند و منظم از داده‌های اسنادی، به کشف، استخراج، طبقه‌بندی و ارزیابی مطالب مرتبط با موضوع پژوهش خود اقدام نماید (صادقی فسایی و عرفان‌منش، ۱۳۹۴: ۶۹). روش اسنادی یعنی تحلیل آن دسته از اسنادی که شامل اطلاعات درباره پدیده‌هایی است که پژوهشگر قصد مطالعه آنها را دارد (Bailey, 1994: 57).

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه اسناد، بیانیه‌ها و منشورهای حفاظت و مرمت از دهه ۱۹۹۰ به بعد و نمونه آماری پژوهش، اسناد و بیانیه‌هایی که مؤلفه‌های اقتصادی بافت تاریخی را مد نظر قرار داده بودند، است. ابزار مورد استفاده شامل چک‌لیست کدگذاری است. با توجه به ماهیت پژوهش، جمع‌آوری اطلاعات به روش اسنادی - کتابخانه‌ای است که با روش تحقیق تحلیل - محتوای کیفی، به مقایسه و جمع‌بندی کلیدواژه‌های استفاده‌شده در تحقق بازآفرینی در اسناد، بیانیه‌ها، منشورها و ادبیات پژوهش پرداخته شده و مؤلفه‌های پایداری اقتصادی بافت‌های تاریخی ارائه شده‌اند.

تجزیه و تحلیل محتوای پیام ارتباطی، یک روش مهم در مطالعات اجتماعی و علوم ارتباطات است که با بهره‌گیری از آن می‌توان انواع مسائل و موضوعات مورد بحث در مطبوعات، رادیو و تلویزیون، فیلم‌های سینمایی، کارتون، مصاحبه و موسیقی را چه از نظر کمیت فراوانی و تکثر و چه از لحاظ کیفیت اهمیت و ارزش بررسی کرد (هولستی، ۱۳۸۰: ۶۵).

رویکرد تحلیل محتوای کیفی این پژوهش، از نوع «هدایت‌شده»^۷ بوده؛ بدین منظور که تحلیل، بر اساس دسته‌بندی‌های موجود در نظریه کارکردگرایی ساختاری شکل گرفته است. روایی روش تحلیل محتوا، بر اساس آزمون اسکات سنجیده می‌شود. در این روش باید ۱۰ تا ۱۵ درصد از نمونه آماری در مطالعه مقدماتی توسط سه کدگذار بررسی شوند و در صورتی که ضریب توافق بین آنها بیش از ۷۰ درصد باشد، می‌توان اظهار کرد که بین کدگذاران توافق وجود دارد و پس از آن تمام نمونه آماری به وسیله یکی از کدگذاران بررسی می‌شود (scott, 1995: 220). محاسبه ضریب توافق به این شرح است:

$$Pi = \frac{Oa - (Ea/1 - Ea)}{Oa}$$

Pi ضریب توافق
Oa توافق مشاهده شده
Ea توافق مورد انتظار

روایی این پژوهش نیز توسط سه نفر از اساتید حوزه مرمت و حفاظت سنجیده شده است. برای اطمینان از صحت اطلاعات ثبت‌شده و جلوگیری از تعصبات و نظرات شخصی در مطالعه مقدماتی، ۲۰ درصد از اسناد و بیانیه‌های مورد بررسی توسط سه کدگذار مورد تحلیل قرار گرفتند و ضریب توافق بین کدگذاران با استفاده از آزمون اسکات، ۸۷٫۶ درصد به دست آمد. سپس یکی از این متخصصان، تمام اسناد و بیانیه‌های نمونه آماری را مورد بررسی قرار داد و نتایج کدگذاری پژوهش، مورد تأیید وی قرار گرفت.

مبانی نظری

بازآفرینی شهری

بازآفرینی شهری را می‌توان تأثیرگذارترین رویکرد معاصر در حوزه مرمت و حفاظت شهری به‌شمار آورد. یکی از مهم‌ترین دلایل این امر، ظرفیت بالای این رویکرد در پرداختن به ابعاد متنوعی از شهر است (Imrie & Raca, 2003: 45). رویکرد بازآفرینی، به بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و محیطی شهر توجه دارد و طیف وسیعی از فعالیت‌ها را بیان می‌دارد که قابلیت زیست‌جدیدی به مناطق مضمحل، ساختمان‌های پاک‌سازی‌شده، زیرساخت‌ها و ساختمان‌های تحت بازسازی که به پایان عمر مفید خود رسیده‌اند، می‌دهد. یک نگرش کلی در بازآفرینی به معنای عام این است که وضعیت کلی شهر و مردمش را بهبود بخشد (Hull, 2000: 77). این رویکرد تنها به دنبال احیای مناطق متروکه نیست، بلکه با مباحث گسترده‌تری هم‌چون اقتصاد رقابتی و کیفیت زندگی به‌خصوص برای کسانی که در محلات فقیرنشین زندگی می‌کنند، سروکار دارد (ایزدی، ۱۳۸۹: ۲۵).

بازآفرینی شهری متناظر با ابعاد گوناگون، دارای سیاست‌های مختلفی در هر زمینه است. جدول ۱، سیاست‌های بازآفرینی شهری را در هر بعد نشان می‌دهد.

در سطوح منطقه‌ای و محلی، پژوهشگران به بررسی بازتاب‌های اقتصادی تحولات کالبدی شهرها پرداخته و توسعه اقتصادی را به ساخت مطلوب شهرها نسبت داده‌اند (Knight et al, 1996). در مداخله بافت‌های شهری از دیدگاه اقتصادی، ارتباط متقابل میان ساختار کالبدی شهرها و مؤلفه‌های اقتصادی موجب می‌شود تا اغلب مداخلات در بافت کالبدی شهرها با بازتاب اقتصادی همراه باشد. مداخله در بافت‌های تاریخی معمولاً از طریق کاهش یا افزایش هزینه و منافع اقتصادی فعالیت‌های

احیای کالبدی املاک در یک محله، به افزایش اعتماد در آن محله کمک خواهد کرد؛ اما حفظ این اعتماد، به بهسازی اقتصادی آن منطقه نیاز دارد. بدون بهبود اقتصادی نمی‌توان بهبود کالبدی را حفظ کرد. فضاهای تاریخی را باید کاربری‌هایی اشغال کنند که سرمایه‌گذاری مداوم و مورد نیاز برای بازآرایی و حفاظت بناها را تأمین می‌کنند (تیزدل و دیگران، ۱۳۷۹: ۴۵). هر چند که انواع مختلف

شهری، بر روی تصمیم‌گیری مردم، شرکت‌های خصوصی و نهادهای عمومی در استفاده از اراضی و املاک شهری تأثیر می‌گذارد. این بازتاب‌ها شامل تغییر قیمت زمین، تغییر در هزینه حمل‌ونقل، تأثیر در مزایای تجمع و گردهمایی، تأثیر در صرفه‌های ناشی از مقیاس، تغییر در برتری نسبی نواحی شهری و تغییر در هزینه‌های فعالیت‌های شهری می‌شوند (اردشیری، ۱۳۸۳: ۶۹ و ۷۰؛ فرجی ملانی، ۱۳۸۹: ۱۳).

جدول ۱. ابعاد و سیاست‌های گوناگون بازآفرینی شهری

اقتصادی	اجتماعی	مدیریتی	محیط زیست	فرهنگی
تغییر و تحولات اقتصادی: افزایش فرصت‌های شغلی، بهبود توزیع ثروت، پرورش استعدادها، افزایش مالیات و مستغلات محلی، ارتباط میان عمران و بهسازی محلی، منطقه‌ای و شهری، جذب سرمایه‌گذاران داخلی.	تغییر و تحولات اجتماعی: بهبود کیفیت زندگی و روابط اجتماعی، کاهش جرم و جنایت، غلبه بر بدنام‌سازی و محرومیت اجتماعی.	حکمران‌وایی: سازمان‌دهی مجدد سازوکارهای تصمیم‌سازی از طریق تفاهم دموکراتیک، افزایش میزان تفاهم همکاری و مشارکت، در نظر گرفتن انتظارات مختلف، تأکید بر مشارکت‌های منطقه‌ای گوناگون، توجه به تعاملات میان سازمان‌ها و نهادها و روابط درونی آنها.	کیفیت محیط زیست و توسعه پایدار: بازآفرینی شهری باید سبب ارتقای توسعه متوازن و مدیریت اقتصاد جامعه و محیط زیست شود. البته دست‌یابی به چنین رویکرد یکپارچه‌ای، مستلزم احیای خلاقیت‌های جامعه و به‌کارگیری آن در بازآفرینی است.	
	شرکت دادن گروه‌های اجتماعی در فرآیند بازآفرینی، تأکید بر اشتغال، کاهش فقر و افتراق اجتماعی، تأمین امکانات اجتماعی و آموزش به جای نوسازی صرفاً فیزیکی	انتقاد از درگیری بیش از اندازه و مستقیم دولت در امر توسعه، توجه به مدیریت در امر حفاظت شهری	انتقاد از ساخت‌وسازهای دارای یک نوع کاربری به جای کاربری متعدد	توجه به حفظ ارزش‌های فرهنگی، ثروت‌های بومی و تاریخی و حفاظت بافت تاریخی
	ایجاد و ارتقای سرمایه اجتماعی، ظرفیت‌سازی اجتماعی در تمامی کنشگران فرآیند بازآفرینی شهری پایدار	ترویج و بسط اندیشه تاب‌آوری شهری به‌عنوان سبک زندگی پایدار در تمامی اقدامات بازآفرینی شهری	حفظ زیست‌بوم‌ها و اکوسیستم‌ها	ارتقای رضایت‌مندی سکونتی در ساکنان محله‌ها و محدوده‌های هدف، حفاظت پایدار و احیای میراث فرهنگی، تاریخی و هویت فرهنگی شهرها

(نگارندگان)

بازآفرینی (فیزیکی، کارکردی و فرهنگی-اجتماعی) به منظور معاصر سازی بافت‌های تاریخی، لازم و مکمل یکدیگر هستند، لکن هدف اصلی از بازآفرینی بافت‌های تاریخی، ایجاد امکان بهره‌برداری اقتصادی از مکان است.

مراکز تاریخی شهری باید به‌عنوان بخشی از پویایی اقتصاد شهر مورد توجه قرار گیرند؛ آنها مناطقی مستقل به‌لحاظ کارکردی نیستند و معمولاً نوعی رابطه هم‌زیستی با سایر مناطق شهر دارند. هم‌چنین مراکز تاریخی تنها به‌منظور اقدامات حفاظتی مورد توجه نیستند، بلکه باید برای بازآفرینی نیز مورد توجه قرار گیرند (Doratli et al, 2004: 751). سیاست‌های اقتصادی در بافت تاریخی شامل سیاست‌ها و اهدافی هم‌چون جذب سرمایه‌های داخلی، تشویق به خوداشتغالی، ایجاد شغل‌های موقت و پاره‌وقت، بهبود آموزش و افزایش مهارت‌های حرفه‌ای و کاهش هزینه‌های زندگی هستند (Noon et al, 2000: 62; Seo, 2002: 117).

نظریه کارکردگرایی پارسونز (AGIL)

رابرت بیلز با مطالعه طرز کار گروه‌های کوچک، به این نتیجه رسیده بود که این گروه‌ها برای آن که به‌درستی کار کنند، باید چهار مشکل را حل کنند.

فشارها و مشکلاتی را که گروه در ارتباط با محیط بیرونی خود با آنها روبه‌رو است، حل کنند (مرحله سازگاری)

تلاش مشترکی را بر عهده بگیرند (مرحله ابزاری)

اعضای گروه، احساسات خود را در درون گروه نسبت به دیگران ابراز کنند (مرحله حالت‌نمایی)

و بالاخره، هنجارهایی که اساس هم‌بستگی گروه را تشکیل می‌دهند و رفتارهای آنها را ارشاد می‌کنند، حفظ کنند (روشه، ۱۳۹۱: ۲۳).

پارسونز با الهام گرفتن از این نتایج و با تغییر دادن جزئی این نوع‌شناسی (تیپولوژی)، در کارنوشت‌هایی درباره نظریه کنش، اثری مشترک با رابرت بیلز و ادوارد شیلز در سال ۱۹۵۳ منتشر کرد. پارسونز در پی آن بود که یک نظریه کامل در مورد جامعه پدید آورد؛ نظریه‌ای که تمام رفتارهای اجتماعی را در تمام مکان‌ها و کل تاریخ با مدلی واحد، یعنی کارکردگرایی ساختاری یا به‌اختصار کارکردگرایی، تبیین کند. نظریه وی به‌شدت انتزاعی و در عین حال، بسیار مفصل است (دیلینی، ۱۳۸۷: ۷۵). این نظریه از این جهت انتزاعی است که مفهوم نظام اجتماعی با جامعه تفاوت دارد. هر الگوی سازمان‌یافته کنش متقابل به‌شکل خرد یا به‌شکل کلان، «نظام اجتماعی» خوانده می‌شود. این مفهوم را می‌توان برای تحلیل گروه‌ها، اجتماع‌ها، نهادها، مؤسسه‌ها و جنبش‌ها به هر شکل و مقیاسی

به کار گرفت؛ در صورتی که جامعه از نظر پارسونز عبارت است از جماعتی نسبتاً خودکفا که اعضای آن به تأمین نیازهای فردی و جمعی خود قادر هستند و می‌توانند در چارچوب جامعه مورد نظر به زندگی خود ادامه دهند (ریترز، ۱۳۷۴: ۱۳۲). طبق نظریه کارکردگرایی، جامعه، به شبکه سازمان‌یافته‌ای از گروه‌های در حال همکاری و تعاون اطلاق می‌شود که به شیوه‌ای تقریباً منظم و منطبق بر مجموعه‌ای از قوانین و ارزش‌ها گرد هم آمده‌اند. جامعه به‌عنوان سیستمی ثابت و در عین حال متمایل به تعادل نگریده می‌شود؛ سیستمی که به‌شکل متوازن و هماهنگ عمل می‌کند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۱: ۲۰).

پارسونز در صدد «تبیین مسأله نظم» است. مفهومی که در نظریه کارکردگرایی پارسونز اهمیت دارد، نظام اجتماعی است. در این نظریه، «نظام اجتماعی بزرگ» شامل همه چهره‌های زندگی اجتماعی است. در این نظام پارسونز، دو عنصر مهم دیده شده است:

۱) انسان‌هایی که کنشگر هستند و در چارچوب نظام‌های چهار گانه کوچک‌تر عمل می‌کنند.

۲) اهداف مشترکی که مسلم و قطعی انگاشته می‌شوند (تنهایی، ۱۳۶۹: ۱۴۷).

در این نظریه، هر کنش انسانی می‌تواند به چهار نظام فرعی تجزیه شود؛ اندام‌واره (ارگانسیم)، شخصیت، نظام اجتماعی و نظام فرهنگی (روشه، ۱۳۹۱: ۲۳). در نظریه عمومی کنش، نظام در ارتباط با محیط داخلی (اجزای درونی نظام) و محیط بیرونی، محتاج رعایت مقتضیات کارکردی است. به این ترتیب، الزامات یا نیازهای نظام به دو مجموعه کلی قابل تقسیم هستند؛ یکی، نیازهای درونی نظام و دیگری، نیازهای در ارتباط با محیط بیرون نظام. از طرف دیگر، هر نظام دارای هدف‌ها و وسایلی است. وسایل، امکان تحصیل هدف را ممکن می‌سازند. با ترکیب این «دوئیت‌ها»؛ یعنی الزامات درونی و بیرونی نظام و اهداف و وسایل نظام، می‌توان از چهار نوع مقتضیات کارکردی صحبت نمود که عبارتند از:

۱) انطباق^A

۲) تعیین هدف^G

۳) یگانگی^G

۴) حفظ الگوهای نمادی نهفته^L (چلیبی، ۱۳۸۳: ۲۰). پارسونز، شروط لازم کارکردی هر نظام کنش را وجود چهار کارکرد فوق می‌داند (روشه، ۱۳۹۱: ۱۱۱).

با توجه به مباحث ذکر شده، هر نظام اجتماعی را می‌توان با نظریه کارکردگرایی ساختاری تحلیل کرد. پارسونز و پیروان دیگر این مکتب، نظام‌های اجتماعی مختلف را با توجه به

بر اساس نظریه کارکردگرایی پارسونز، هر کدام از خرده‌نظام‌های یک نظام، خود به‌عنوان یک نظام اجتماعی دیگر قلمداد می‌شوند و خود دارای کارکرد هستند؛ لذا می‌توان بافت تاریخی را به‌عنوان یک نظام اجتماعی در نظر گرفت که خود دارای چهار خرده‌نظام با وظایف چهار گانه (سازگاری، دستیابی به اهداف، یکپارچگی و حفظ الگوهای پنهان) است. پژوهش پیش رو به‌دلیل وسعت موضوع بازآفرینی پایدار و نظریه کارکردگرایی ساختاری، به بررسی خرده‌نظام سازگاری - اقتصادی (A) بازآفرینی بافت تاریخی پرداخته و مابقی ابعاد را به پژوهش‌های بعدی اختصاص داده است. از آنجایی که رویکرد بازآفرینی از دهه ۱۹۹۰ به بعد وارد عرصه مرمت و حفاظت شده، جامعه آماری پژوهش شامل اسناد و بیانیه‌های منتشر شده از سال ۱۹۹۰ به بعد است و نمونه آماری پژوهش، اسناد و بیانیه‌هایی هستند که به مؤلفه‌های اقتصادی بازآفرینی بافت تاریخی اشاره داشته‌اند. جدول ۳، این اسناد را نشان داده است.

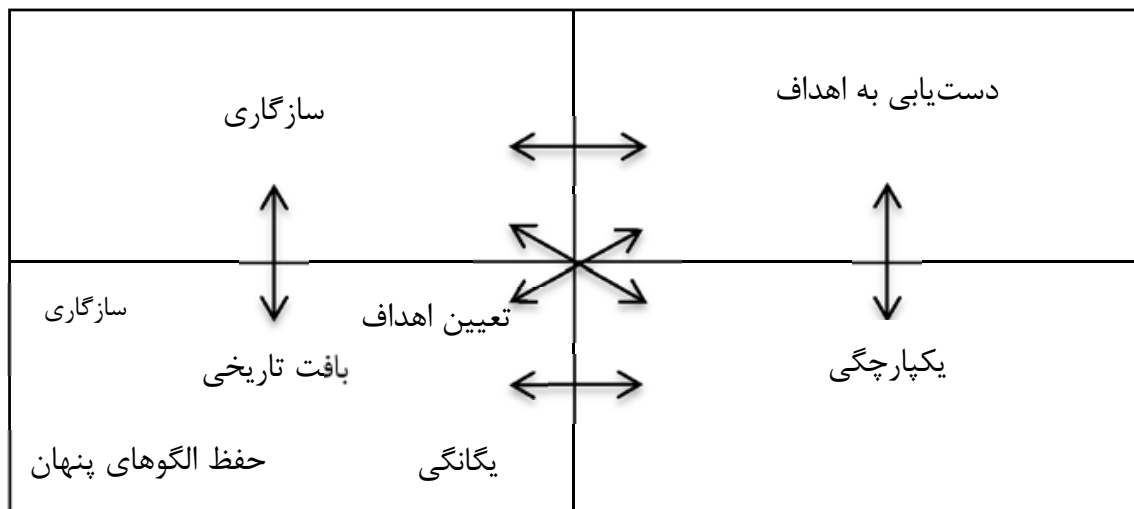
با توجه به جدول ۳، مؤلفه‌های ارزش اقتصادی، جذب سرمایه، یکپارچگی اقتصادی، اقتصاد محلی و برندسازی را می‌توان به‌عنوان مؤلفه‌های مستخرج از تحلیل محتوای کیفی اسناد و بیانیه‌های بازآفرینی، معرفی نمود. در ادامه پژوهش، مؤلفه‌های اقتصادی بازآفرینی بافت تاریخی در ادبیات و پیشینه پژوهش بررسی خواهند شد. جدول ۴، این مؤلفه‌ها را نشان می‌دهد. با توجه به مؤلفه‌های ارائه شده از اسناد و بیانیه‌ها (جدول ۳) و هم‌چنین مؤلفه‌های ذکر شده در ادبیات پژوهش (جدول ۴) و با کدگذاری کلیدواژه‌ها در روش تحلیل محتوای کیفی، می‌توان مؤلفه‌های ارزش اقتصادی، سرمایه‌گذاری، فعالیت‌های

این نظریه، تحلیل و ابعاد مختلف آن را مشخص کرده‌اند. جدول ۲، ابعاد مختلف مدل کارکردگرایی ساختاری را در نظام‌های مختلف اجتماعی معرفی می‌نماید.

بحث و یافته‌ها

رویکرد بازآفرینی شهری، به بهبود وضعیت زیستی در تمامی ابعاد شهر و بافت تاریخی توجه دارد. در این رویکرد، توسعه اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، زیست‌محیطی و مدیریتی در بافت تاریخی، هم‌زمان مد نظر قرار می‌گیرند. نظریه کارکردگرایی ساختاری نیز در مسائل علوم اجتماعی، دید کل‌نگر دارد و شرط لازم برای برقراری نظم و تعادل در سیستم را توجه هم‌زمان به ابعاد اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی و فرهنگی می‌داند؛ لذا با توجه به شباهت این دو رویکرد از حیث جامع بودن و هم‌چنین دارا بودن ابعاد اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی و فرهنگی شهر و بافت تاریخی و نیز سیستمی بودن هر دو رویکرد، می‌توان از نظریه کارکردگرایی ساختاری در ارائه مدل بازآفرینی پایدار شهری بهره جست.

با در نظر گرفتن شهر به‌عنوان یک سیستم و بنا بر نظریه کارکردگرایی ساختاری در مورد سیستم‌ها، خرده‌نظام‌های شهر باید به‌گونه‌ای تبیین شوند که هر یک به وظایف خود در قبال سیستم شهر عمل کنند. نظام فرهنگی در نظریه کارکردگرایی ساختاری به‌عنوان تأمین‌کننده اطلاعات برای سایر خرده‌نظام‌ها، از اهمیت بسزایی برخوردار است. به‌دلیل وجود آثار تاریخی، فرهنگی و هم‌چنین بستر سیر تحول شکل‌گیری شهر در نسل‌های مختلف، بافت تاریخی را می‌توان به‌عنوان خرده‌نظامی در سیستم شهر معرفی نمود که وظیفه حفظ الگوهای پنهان را در سیستم شهر بر عهده دارد (تصویر ۱).



تصویر ۱. اجزای سیستم شهر بر اساس نظریه کارکردگرایی ساختاری (نگارندگان)

اقتصادی درون بافت و برندسازی را به عنوان مؤلفه‌های اقتصادی بازآفرینی بافت تاریخی مطرح نمود.

به منظور ارائه نقش هر یک از مؤلفه‌های اقتصادی بر اساس نظریه کارکردگرایی ساختاری، تعاریف و ویژگی‌های این مؤلفه‌ها در مبانی نظری بررسی شده و مفاهیم مرتبط با نظریه کارکردگرایی ساختاری از این متون استخراج شده‌اند (جدول ۵).

بنا بر نظریه کارکردگرایی ساختاری در سیستم بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی، باید ۴ مؤلفه تعیین شوند که هر یک در این سیستم وظیفه‌ای را بر عهده داشته باشند:

۱. خرده‌نظامی که وظیفه آن، سازگاری میان بعد اقتصادی بافت تاریخی با سایر خرده‌نظام‌ها (ابعاد اجتماعی، فرهنگی و مدیریتی) باشد و منابع را برای سیستم فراهم آورد.

۲. خرده‌نظامی که اهداف بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی بر اساس آن تعیین شود.

۳. خرده‌نظامی که موجب انسجام و یگانگی میان اجزای داخلی اقتصاد بافت تاریخی شود و از اختلال‌های درونی سیستم جلوگیری کند.

۴. و در نهایت، خرده‌نظامی که الگو و ارزش‌هایی را برای بعد اقتصادی بافت تاریخی به همراه داشته باشد.

با مطابقت جدول ۲ (ابعاد گوناگون مدل کارکردگرایی ساختاری) و جدول ۵ (کلیدواژه‌های مرتبط با نظریه کارکردگرایی ساختاری در مبانی نظری بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی)، نقش هر یک از مؤلفه‌های بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی را بر اساس نظریه کارکردگرایی ساختاری، می‌توان به صورت موارد زیر مشخص نمود.

ارزش اقتصادی

نوع روابط در این مؤلفه، نقدی (معامله) است؛ مالی و مادی بودن این خرده‌نظام، قابل محاسبه و پیش‌بینی بودن آن و این که

جدول ۲. ابعاد گوناگون مدل کارکردگرایی ساختاری

L	I	G	A	AGIL
حفظ الگوهای فرهنگی	یگانگی	هدف	سازگاری	۴ بعد نظام کنش
فرهنگی	اجتماعی	شخصیتی	ارگانیزم زیستی	نظام فرعی کنش
فرهنگی	اجتماعی	سیاسی	اقتصادی	نظام‌های فرعی جامعه
تعهدات (پابندی)	نفوذ	قدرت	پول	۴ وسیله مبادله نظام اجتماعی
معرفت	آبرو	قدرت	کالا و خدمات	
مبادله‌ای گرم	عاطفی	سرد و اجباری	عقلانی	نوع روابط
مقارن گرم	نامقارن گرم	نامقارن سرد	مقارن سرد	نوع مبادله
آرمان‌های مشترک	تعامل مشبک	هنجار مشترک	مواضع اجتماعی مشبک	نظم اجتماعی
محاسبه	هماهنگی	کار	یادگیری	نظم اقتصادی
اقتدار	جذب	زور	تسلط	نظم سیاسی
اجتماع اخلاقی	اجتماع طبیعی	اجتماع سیاسی	اجتماع اقتصادی	نظم اجتماعی
باور	هنجار	ارزش	تکنولوژی	نظم فرهنگی
شناختی	اجتماعی	امنیت	مادی	علقه
فکری	جمعی و گروهی	جانی و بهداشتی	مالی	امنیت
ارزشی	سنتی	عاطفی	ابزاری	کنش
مقاعدسازی	فعال‌سازی تعهد	حیله، تهدید، اجبار	تحریک محرک‌های بیرونی	شیوه فعال کردن کنشگر
چه باید باشد؟	چه انجام شود؟	سؤالات چگونگی؟	سؤالات چیستی و چرایی؟	نظام فرهنگی کنش

(نگارندگان بر اساس چلبی، ۱۳۸۲؛ ۱۳۸۳؛ روشه، ۱۳۹۱)

مؤلفه سرمایه‌گذاری، روابط گفتمانی، بیشتر خصلت تحلیلی تجربی دارند و بیشتر پیرامون مسائل اثباتی و مادی هستند. از ویژگی‌های دیگر این مؤلفه، کنش ابزاری و عقل ابزاری است و این‌که آمادگی پذیرش هر گونه نوآوری و خلاقیت را دارد؛ لذا سرمایه‌گذاری بنا بر جدول ۲، وظیفه تعیین اهداف (G) نظام کارکردی پارسونز را در بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی عهده‌دار است.

بنا بر نظریه کارکردگرایی ساختاری، وظیفه تعیین اهداف در سیستم، بر عهده مؤلفه‌ای است که قدرت و نفوذ را در اختیار دارد و نمود آن در جامعه، نظام سیاسی و مدیریتی است که با اعمال نفوذ و قدرت، نظام اجتماعی را به اهداف تعیین شده می‌رساند. در بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی نیز این وظیفه بر عهده مؤلفه سرمایه‌گذاری است که با هدف کسب سود و منفعت بیشتر، بخش خصوصی را به این سمت سوق داده و موجب ارزش‌افزایی در بافت تاریخی که یکی از مهم‌ترین اهداف بازآفرینی است، خواهد شد^۳.

قداست در این بعد مفهوم چندانی ندارد، از دیگر مشخصات این مؤلفه است. بنا بر جدول ۲، این خرده‌نظام در بعد اقتصادی سیستم قرار خواهد گرفت و لذا کارکرد سازگاری (A) نظام بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی را فراهم می‌آورد.

علاوه بر این، بنا بر نظریه کارکردگرایی ساختاری، وظیفه خرده‌نظام سازگاری، تأمین منابع از سایر نظام‌ها و تبدیل آنها به فرآورده برای درون سیستم است. مؤلفه‌ای که در بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی این وظیفه را بر عهده می‌گیرد، ارزش اقتصادی است؛ چرا که این مؤلفه، سرمایه اقتصادی را برای بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی تأمین می‌کند و این چنین موجب سازگاری و انطباق این سیستم با محیط بیرونی خواهد شد.

سرمایه‌گذاری

سرمایه‌گذاری در بافت تاریخی، موجب ارزش‌آفرینی در این مناطق می‌شود؛ لذا این مؤلفه به‌عنوان هدف بازآفرینی اقتصادی مطرح می‌شود و به‌دلیل داشتن روابط سرد در این خرده‌نظام، در بعد شخصیتی نظام کارکردی قرار می‌گیرد. در

جدول ۳. مؤلفه‌های اقتصادی در اسناد، بیانیه‌ها و منشورهای مرمت و حفاظت شهری با رویکرد بازآفرینی

نام سند	نهاد مسئول	مؤلفه اقتصادی
منشور فاس (۱۹۹۳)	سازمان جهانی شهرهای تاریخی	دسترسی به منابع مالی لازم
بیانیه سان آنتونیو (۱۹۹۶)	ایکوموس	برندسازی
قطعه‌نامه برگن (۱۹۹۹)	سازمان جهانی شهرهای تاریخی، یونسکو، ایکوموس، مرکز گتی	تأمین منابع مالی لازم برندسازی
بیانیه مکزیکوسیتی (۱۹۹۹)	ایکوموس	برندسازی
منشور کراکف (۲۰۰۰)	همایش بین‌المللی مرمت و حفاظت میراث انسان ساخت	اقتصاد محلی برندسازی
بیانیه کبک (۲۰۰۰)	گردهمایی شهرداران شهرهای تاریخی قاره آمریکا (سومین اجلاس سران کشورهای قاره آمریکا)	یکپارچگی اقتصادی
بیانیه هوی‌آن (۲۰۰۳)	ایکوموس	برندسازی
یادنامه وین (۲۰۰۵)	یونسکو	برندسازی جذب سرمایه ارزش اقتصادی
بیانیه سئول (۲۰۰۵)	ایکوموس	برندسازی
بیانیه پاریس (۲۰۱۱)	ایکوموس یونسکو	برندسازی
بیانیه فلورانس (۲۰۱۴)	ایکوموس یونسکو سازمان میراث جهانی	برندسازی

(نگارندگان)

فعالیت‌های اقتصادی درون بافت تاریخی

بافت تاریخی به دلیل قدمت و سابقه تاریخی، ارزش‌های بالقوه‌ای دارد؛ لذا ساکنان بافت‌های تاریخی با درگیر شدن در فعالیت‌های اقتصادی که در گذشته وجود داشته‌اند و امروزه رو به زوال هستند، می‌توانند موجب جذب توریست، افزایش اشتغال، افزایش ارزش اقتصادی، ارتقای کیفیت سکونت، ایجاد سرزندگی، افزایش تمایل به زیست در بافت تاریخی، خودکفایی و حفظ آنان در منطقه شده و به همراه آن از شأن، آبرو و منزلت اجتماعی بالاتری برخوردار شوند. لذا مؤلفه فعالیت‌های اقتصادی درون بافت تاریخی به دلیل ارتقای آبرو و شأن اجتماعی، بنا بر جدول ۲، در بعد اجتماعی نظام اقتصادی قرار می‌گیرد و کارکرد یگانگی (I) بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی را بر عهده دارد. علاوه بر این، بنا بر نظریه پارسونز، کارکرد یگانگی، ایجاد

هماهنگی و انسجام در سیستم است. این بعد به واسطه تعهد اعضا نسبت به یکدیگر و کل سیستم، از اختلال‌های درونی جلوگیری می‌کند و نمود آن در جامعه، نظام اجتماعی معرفی شده است. در بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی، این وظیفه بر عهده فعالیت‌های اقتصادی درونی است؛ چرا که ساکنان بافت‌های تاریخی با درگیر شدن در فعالیت‌های اقتصادی درون بافت و با داشتن شغل‌های متناسب با سنت و فرهنگ پیشین خود، احساس تعلق بیشتری به این مناطق خواهند کرد و نوعی وابستگی میان آنان و بافت تاریخی حاصل می‌شود که از اختلال‌های درونی سیستم جلوگیری می‌کند. به همین جهت، فعالیت‌های اقتصادی درون بافت تاریخی، وظیفه یگانگی این سیستم را عهده‌دار هستند.

جدول ۴. ادبیات و پیشینه تحقیق مؤلفه‌های اقتصادی بازآفرینی بافت تاریخی

مؤلفه اقتصادی	سال	محقق	مؤلفه اقتصادی	سال	محقق
الگوهای مصرف و تولید توسعه اقتصادی سرمایه‌گذاری	۲۰۱۱	لی-بین شن ^{۱۳} جورج اوچاو ^{۱۴} مونا شاه ^{۱۵} زیالینگ ژانگ ^{۱۶}	قیمت زمین هزینه حمل‌ونقل هزینه‌های فعالیت‌های شهری	۱۳۸۳	مهیار اردشیری
سرمایه‌گذاری قدرت نفوذ	۲۰۱۴	ماریچلا سپه	سرمایه‌گذاری خصوصی تمایل به پرداخت بیشتر افزایش قیمت املاک	۱۳۸۹	احمد پوراحمد کیومرث حبیبی مهناز کشاورز
توان مالی ساکنان سرمایه‌گذاری ارزش ملک	۱۳۸۹	عارف آقاصفیری حکمت امیری جابر دانش محمدجواد بهشتیان	سرمایه‌گذاری بخش خصوصی	۱۳۹۲	سید حسین بحرینی محمدسعید ایزدی مهرانوش مفیدی
قیمت زمین و اجاره بها سرمایه‌مالی ساکنین سرمایه‌گذاری دولتی و بخش خصوصی	۱۳۹۱	علی زنگی‌آبادی سعیده مؤیدفر	خودکفایی سودآوری جذابیت اقتصادی	۱۳۹۵	مهرانوش حسن‌زاده حسین سلطان‌زاده
ریسک‌پذیری	۲۰۱۴	سیمون هوستن ^{۱۷} ریحانه رحیم‌زاده	درآمدزایی سرمایه‌گذاری بخش دولتی و خصوصی	۱۳۹۰	احمد پوراحمد رمضان اکبرنژاد بایی
ارزش اقتصادی سرمایه‌گذاری	۱۳۹۰	آئینی	فعالیت‌های اقتصادی سرمایه‌گذاری بخش دولتی سرمایه‌گذاری خصوصی ارزش افزوده املاک	۱۳۹۱	اسماعیل قادری افسانه زمانی مقدم سید هاشم جلالی کنیمی

(نگارندگان)

برندسازی

در برندسازی مقصد گردشگری، توجه به نقش فرهنگ و استفاده از ارزش‌های تاریخی و فرهنگی به‌عنوان منابعی برای توسعه، از مهم‌ترین ابعاد بازآفرینی اقتصادی هستند. آشنایی با فرهنگ‌های گوناگون به‌ویژه فرهنگ گذشتگان و شناخت ارزش‌ها و عقاید آنان، از انگیزه‌های اساسی جهت حضور گردشگر در بافت تاریخی هستند که می‌توان به این طریق، ارزش‌های موجود در بافت را حفظ کرد؛ لذا بنابر جدول ۲، این مؤلفه، در بعد حفظ الگوهای پنهان (L) نظام کارکردی پارسونز قرار خواهد گرفت. کارکرد حفظ الگوهای پنهان در نظریه کارکردگرایی، ایجاد انگیزش لازم میان کنشگران است و نمود آن در جامعه،

نظام فرهنگی معرفی شده است. در بازآفرینی بافت تاریخی، برندسازی مقصد به‌عنوان رویکردی همه‌جانبه، ابزاری تبلیغی برای خلق تصویری یگانه از شهر است و نقش قابل توجهی در توسعه و احیای بافت‌های تاریخی در شهرها دارد. برندسازی با هدف جذب گردشگر به بافت تاریخی، نه‌تنها به‌عنوان عامل فرهنگی، موجب افزایش رشد اقتصادی منطقه خواهد شد، بلکه به‌گفته چن و چن (۲۰۱۰)، آشنایی با فرهنگ‌های گوناگون به‌ویژه فرهنگ گذشتگان و نمودهای کالبدی آن در قالب میراث فرهنگی، ابنیه و بافت‌های تاریخی، انگیزه‌ای اساسی در حوزه گردشگری به‌شمار می‌آید و این امر، گردشگری را به صنعتی پر رونق در حوزه ابنیه و بافت‌های تاریخی بدل می‌کند؛ لذا این مؤلفه به‌دلیل ایجاد انگیزه، کارکرد حفظ الگوهای پنهان را در بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی عهده‌دار است.

جدول ۵. کلیدواژه‌های مرتبط با نظریه کارکردگرایی ساختاری در مبانی نظری بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی

مؤلفه اقتصادی بازآفرینی بافت تاریخی	تعریف یا ویژگی	مؤلف	سال	مفهوم مرتبط با نظریه کارکردگرایی ساختاری
ارزش اقتصادی	میراث فرهنگی و محوطه‌های میراث، دو نوع ارزش را به‌صورت گسترده تولید می‌کنند؛ ارزش بازار که تعیین قیمت بازار را مشخص می‌کند و ارزش غیر بازار که قابل ارائه و فروش نیست.	اسنبال و کارتنی ^{۱۸}	۲۰۱۰	ارزش بازار، مادی
	از نگاه سرمایه‌گذاری، در نوسازی شهری دو ارزش بالقوه وجود دارد؛ ارزش اول، بالا رفتن سطح عمومی قیمت‌ها و ارزش دوم ناشی از بالا رفتن مرغوبیت محدوده‌های مورد سرمایه‌گذاری پس از عملیات نوسازی است.	آئینی	۱۳۹۰	ارزش مادی، قیمت
	از میان مسائل و مشکلات اقتصادی مرمت در بافت‌های تاریخی، می‌توان به قیمت پایین اراضی در این محدوده‌ها اشاره کرد.	کلانتری خلیل‌آباد و دیگران	۱۳۹۵	ارزش مادی، قیمت
	هدف اصلی از بازآفرینی بافت‌های تاریخی، ایجاد امکان بهره‌برداری اقتصادی از مکان به‌گونه‌ای است که ارزش کافی به‌منظور پوشش هزینه‌های بازآفرینی و نوسازی را ایجاد کند.	اینگلیش هریتج ^{۱۹}	۲۰۰۸	ارزش مادی
تاب‌پذیری	سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی به‌منظور ایجاد فرصت‌های بیشتر و ارتقای کیفیت زندگی، یکی از ابعاد بازآفرینی شهری پایدار معرفی می‌شود.	ODPM	۲۰۰۶	ارزش آفرینی بافت تاریخی
	اگر چه احداث، اصلاح، توسعه معابر و نوسازی محلات بافت تاریخی از جمله وظایف اساسی شهرداری‌ها به‌شمار می‌آیند، اما رویکردهای نوین در تأمین منابع مالی نوسازی این مناطق، بر حضور گسترده بخش خصوصی در این زمینه تأکید دارند.	آئینی	۱۳۹۰	ارزش آفرینی بافت تاریخی
	مشکلات فزاینده اجتماعی در محله‌های محروم و آسیب‌پذیر به‌سوی «کشف مجدد اجتماع محلی» و نوعی مشارکت جدید، نه‌تنها شامل شراکت بخش دولتی می‌شود، بلکه شراکت بخش خصوصی و سازمان‌های داوطلب و مردم را هم در بر دارد.	Ng, M.K	۲۰۰۵	ارزش آفرینی بافت تاریخی

ادامه جدول ۵. کلیدواژه‌های مرتبط با نظریه کارکردگرایی ساختاری در مبانی نظری بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی

مفهوم مرتبط با نظریه کارکردگرایی ساختاری	سال	مؤلف	تعریف یا ویژگی	مؤلفه اقتصادی بازآفرینی بافت تاریخی
فعالیت‌های اقتصادی درون بافت	۱۳۹۵	کلانتری خلیل‌آباد و دیگران	شکل‌دهندگان و ساکنان اصلی بافت‌های تاریخی، از نظر اقتصادی وضعیت مالی مناسبی نداشته و خود در اثر وضعیت نامطلوب اقتصادی، ساکن این بافت‌ها شده‌اند؛ لذا این بافت‌ها در تاریخچه خود نیز هیچ‌گونه جایگاهی برای درآمدزایی، فعالیت‌های اقتصادی و ایفای نقش در زمینه اشتغال‌زایی نداشته‌اند.	
	۱۳۹۱	قادری و دیگران	فعالیت‌های اقتصادی درون بافت سبب می‌شوند تا علاوه بر سیاست‌گذاری بخش خصوصی و دولتی جهت احیای بافت‌های تاریخی باارزش در شهرها، سیل عظیمی از پول و سرمایه از سوی گردشگران به این سو سرازیر شود.	
برندسازی	۲۰۰۱	پرارس ^{۲۰}	احیای ساختارهای کهن، برجسته‌سازی مکان‌ها و بازتولید خاطرات جمعی و کانون‌های تعلق خاطر، از جمله اولین اقدامات برای ایجاد کشش ذهنی به سمت محیط‌های تاریخی هستند.	
	۲۰۱۰	چن و چن ^{۲۱}	آشنایی با فرهنگ‌های گوناگون به‌ویژه فرهنگ گذشتگان و نمودهای کالبدی آن در قالب میراث فرهنگی، ابنیه و بافت‌های تاریخی، انگیزه‌های اساسی در حوزه گردشگری به‌شمار می‌آید.	
	۱۳۹۶	کریم‌پور شیرازی و کهزادی سیف‌آباد	جذابیت گردشگری بافت‌های تاریخی علاوه بر عملکرد هویت‌بخشی، پتانسیل توسعه صنعت توریسم به‌عنوان یک بازوی پر قدرت و مولد اقتصادی برای شهر و در نتیجه ارتقای کیفی زندگی شهری به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های توسعه پایدار شهری را نیز در بر دارد.	
	۲۰۰۵	بلین و دیگران ^{۲۲}	برندسازی مقصد گردشگری شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌های بازاریابی می‌شود که: (۱) از نام و نشان تجاری یا دیگر اشکال گرافیکی که به مقصد گردشگری ماهیت داده و آن را متمایز می‌سازد، حمایت نماید. (۲) توان انتقال تجارب مثبت را که منحصراً در پیوند با مقصد گردشگری است، داشته باشد. (۳) ارتباط احساسی بین بازدیدکننده و مقصد گردشگری را تقویت و مستحکم کند. (۴) هزینه‌های تحقیق و ریسک ادراکی مصرف‌کننده را کاهش دهد.	
	۱۳۹۱	امین‌زاده و دادرس	گردشگری شهری را می‌توان کنش متقابل گردشگران میزبان و بازدید از جاذبه‌ها و تسهیلات و خدمات مربوط به گردشگری با انگیزه‌های متفاوت گردشگر دانست که در بافت‌های تاریخی، این انگیزه به‌سوی کشف و شناسایی میراث‌های تاریخی و شیوه زندگی پیشینیان سوق می‌یابد.	
	۲۰۰۱	هویت	هویت	آشنایی با فرهنگ گذشتگان
۱۳۹۵	شأن اجتماعی	بهبود وضعیت اجتماعی ساکنان	هویت بخشی	

نتیجه‌گیری

بازآفرینی پایدار شهری را می‌توان به‌عنوان تأثیرگذارترین رویکرد معاصر در عرصه مرمت و حفاظت شهری به‌شمار آورد. زمینه ظهور این رویکرد، در توجه به اصول مطرح‌شده در توسعه پایدار و اهمیت یافتن نقش مشارکت گروه‌های ذینفع در فرآیند برنامه‌ریزی است. رویکرد بازآفرینی شهری، توجه هم‌زمان به ابعاد کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، مدیریتی و زیست‌محیطی در بافت تاریخی دارد. این رویکرد از دهه ۱۹۹۰ به بعد پا به عرصه حفاظت و مرمت بافت‌های تاریخی نهاد و بیانیه‌ها و منشورهای با این موضوع تدوین شده‌اند.

نظریه کارکردگرایی ساختاری در علوم اجتماعی، از نظریه‌های کل‌نگر با نگرش سیستمی است که ابعاد اقتصادی، اجتماعی، مدیریتی و فرهنگی را مد نظر قرار می‌دهد و شرط برقراری تعادل، نظم و کارکرد سیستم را، قرارگیری هر کدام از خرده‌نظام‌ها در جای خود می‌داند. در سیستم شهر، بافت تاریخی به‌عنوان خرده‌نظامی که وظیفه حفظ الگوهای پنهان را بر عهده دارد، در بعد فرهنگی قرار می‌گیرد. بنا بر نظریه کارکردگرایی ساختاری پارسونز، این خرده‌نظام خود یک نظام است که باید شروط برقراری تعادل و نظم نظام را دارا باشد. پژوهش حاضر به‌دلیل وسعت موضوع بازآفرینی پایدار بافت تاریخی و نظریه کارکردگرایی ساختاری پارسونز، به بعد اقتصادی آن بسنده کرده است. در پژوهش حاضر، اسناد و بیانیه‌های حفاظت و مرمت از دهه ۱۹۹۰ به بعد و ادبیات پژوهش با موضوع بازآفرینی اقتصادی از حیث مؤلفه‌های مؤثر در تحقق این رویکرد، بررسی شدند. بازآفرینی اقتصادی بر اساس روش تحلیل محتوای کیفی، با مؤلفه‌های ارزش اقتصادی، سرمایه‌گذاری، فعالیت‌های اقتصادی درون بافت و برندسازی معرفی شد. لذا با توجه به شباهت رویکرد بازآفرینی پایدار شهری و نظریه کارکردگرایی ساختاری از حیث جامع و سیستمی بودن هر دو، مدل بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی بر اساس این نظریه ارائه شد.

بر اساس نظریه کارکردگرایی ساختاری، هر سیستم برای داشتن کارایی و کارکرد و نظم و تعادل در آن، باید دارای چهار مؤلفه باشد که هر یک وظیفه‌ای را در قبال سیستم عهده‌دار هستند. بنا بر نتایج پژوهش در سیستم بافت تاریخی، مؤلفه ارزش اقتصادی، وظیفه سازگاری و انطباق (A) سیستم بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی را بر عهده دارد؛ بدین منظور که این مؤلفه با تأمین منابع مالی در بافت تاریخی، به اقتصاد این سیستم کمک کرده و موجب سازگاری و انطباق آن خواهد شد.

مؤلفه سرمایه‌گذاری، وظیفه تعیین اهداف (G) بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی را عهده‌دار است. این مؤلفه با هدف کسب سود و منفعت بیشتر، بخش خصوصی را به این سمت سوق داده و موجب ارزش‌افزایی در بافت تاریخی خواهد شد. لذا به‌منظور کارایی بیشتر بازآفرینی، می‌توان اهداف بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی را در راستای افزایش میزان سرمایه‌گذاری در بافت تاریخی تعیین نمود. تصویر ۲، مدل بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی را بر اساس نظریه کارکردگرایی ساختاری نشان داده است.

مؤلفه فعالیت‌های اقتصادی درون بافت، وظیفه خرده‌نظام یگانگی و انسجام (I) بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی را بر عهده دارد؛ چرا که با درگیر شدن ساکنان بافت‌های تاریخی در فعالیت‌های اقتصادی درونی، احساس تعلق بیشتری به محیط ایجاد شده و این‌چنین از اختلال‌های درونی سیستم جلوگیری می‌شود. بدین جهت به‌منظور ایجاد یگانگی و انسجام بیشتر در بافت تاریخی، باید تمهیداتی به‌منظور افزایش میزان فعالیت‌های اقتصادی درون بافت اندیشیده شود.

مؤلفه برندسازی، وظیفه حفظ الگوهای پنهان (L) بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی را بر عهده دارد. آشنایی با فرهنگ‌های گذشتگان، انگیزه‌ای لازم در حوزه گردشگری را ایجاد کرده و لذا این مؤلفه، کارکرد حفظ الگوهای پنهان را در بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی عهده‌دار است.

جهت تحقق و داشتن کارکرد رویکرد بازآفرینی پایدار بافت‌های تاریخی، پژوهش‌های زیر به‌منظور تکمیل مدل بازآفرینی پایدار پیشنهاد می‌شوند:

- تبیین بازآفرینی اجتماعی بافت تاریخی بر اساس نظریه کارکردگرایی ساختاری



- تبیین بازآفرینی مدیریتی بافت تاریخی بر اساس نظریه کارکردگرایی ساختاری
 - تبیین بازآفرینی فرهنگی بافت تاریخی بر اساس نظریه کارکردگرایی ساختاری
- در پژوهش‌های آتی می‌توان بر اساس مؤلفه‌های معرفی‌شده در پژوهش حاضر، شاخص و سپس گویه را تعریف کرد و با استفاده از تکنیک پرسشنامه، به ارزیابی و سنجش بازآفرینی اقتصادی در محدوده مطالعاتی خاص پرداخت. هم‌چنین می‌توان مدل بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی بر اساس نظریه کارکردگرایی ساختاری را در سطح دوم نیز تبیین کرد؛ بدین منظور که اجزای هر مؤلفه را بر اساس نظریه کارکردگرایی ساختاری تبیین نمود.



تصویر ۲. مدل بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی بر اساس نظریه کارکردگرایی ساختاری (نگارندگان)

پی‌نوشت

1. Nasser
2. Stubbs
3. Huston & Rahimzad
4. Marichela Sepe
5. Furlan & Faggion
6. Documentary research method
7. Directed

در رویکرد تحلیل محتوای کیفی هدایت‌شده، اساس تحلیل را نظریه‌های موجود و با نتایج پژوهش‌های پیشین به‌عنوان کدهای اولیه و راهنما تشکیل می‌دهند.

8. Adaptation
9. Goal attainment
10. Integration
11. Latent pattern maintenance

۱۲. هر چند در حال حاضر وضعیت بافت‌های تاریخی ما این‌چنین نیست و شهروندان تمایل چندانی به سرمایه‌گذاری در این مناطق ندارند؛ ولی با توجه به مدل ارائه‌شده در این پژوهش که وضعیت بهینه را در بازآفرینی اقتصادی بافت تاریخی نشان خواهد داد، باید سیاست‌های بازآفرینی اقتصادی در این راستا قرار گیرند.

13. Li-Yin Shen
14. J. Jorge Ochoa
15. Mona N. Shah



16. Xiaoling Zhang
17. Simon Huston
18. Snowball & Courtney
19. English Heritage
20. Perarce
21. Chen & Chen
22. Blain et al

منابع و مآخذ

- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۸۱). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. چاپ پنجم، تهران: سروش.
- آقاصغری، عارف؛ امیری، حکمت؛ دانش، جابر و بهشتیان، محمدجواد. (۱۳۸۹). ویژگی‌های کمی و کیفی مسکن در بافت تاریخی شهر یزد (۱۳۸۵-۱۳۵۵ ه.ش). *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، سال اول (۲)، ۸۲-۶۷.
- آئینی، محمد. (۱۳۹۰). مدیریت ریسک سرمایه‌گذاری در نوسازی شهری. *فصلنامه اقتصاد شهر*، سال سوم (۹)، ۴۱-۳۳.
- اردشیری، مهیار. (۱۳۸۳). بررسی بازتاب‌های اقتصادی مداخله در بافت کالبدی شهرها. *فصلنامه هفت شهر*، (۱۵)، ۷۵-۶۶.
- امین‌زاده، بهناز و دادرس، راحله. (۱۳۹۱). بازآفرینی فرهنگ‌مدار در بافت تاریخی شهر قزوین با تأکید بر گردشگری شهری. *دو فصلنامه مطالعات معماری ایران*، (۲)۱، ۱۰۸-۹۹.
- ایزدی، محمدسعید. (۱۳۸۹). بازآفرینی شهری کنش و بینشی جامعه و یکپارچه در سامان‌دهی محدوده‌های هدف برنامه‌های بهسازی و نوسازی شهری. *فصلنامه هفت شهر*، (۳۳)۳، ۸۰-۷۳.
- بحرینی، سید حسین؛ ایزدی، محمدسعید و مفیدی، مهرانوش. (۱۳۹۲). رویکردها و سیاست‌های نوسازی شهری (از بازسازی تا بازآفرینی شهری پایدار). *فصلنامه مطالعات شهری*، (۹)۳، ۳۰-۱۷.
- پوراحمد، احمد؛ حبیبی، کیومرث و کشاورز، مهناز. (۱۳۸۹). سیر تحول مفهوم‌شناسی بازآفرینی شهری به‌عنوان رویکردی نو در بافت‌های فرسوده شهری. *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، (۱)۱، ۹۲-۷۳.
- پوراحمد، احمد و اکبرنژاد، رمضان. (۱۳۹۰). هرم بازآفرینی بافت تاریخی شهری با استفاده از مدل سوات، نمونه موردی بافت تاریخی شهر بابل. *فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس*، (۹)۳، ۱۰۷-۸۱.
- تنهایی، حسین. (۱۳۶۹). *نظریه‌های جامعه‌شناختی*. چاپ اول، تهران: سمت.
- تیزدل، استیون؛ آک، تنر و هیث، تیم. (۱۳۷۹). چالش‌های اقتصادی محله‌های تاریخی. *مجله هفت شهر*، (۲)۱، ۴۹-۲۹.
- چلبی، مسعود. (۲۸۳۱). *جامعه‌شناسی نظم*. چاپ دوم، تهران: نی.
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۳). *چارچوب مفهومی، پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*. چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حسن‌زاده، مهرنوش و سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۹۵). طبقه‌بندی راهبردهای برنامه‌ریزی بازآفرینی بر اساس سطح پایداری بافت‌های تاریخی. *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، (۲۳)۶، ۳۰-۱۹.
- دیلینی، تیم. (۱۳۸۷). *نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی*. ترجمه به‌رنگ صدیقی و وحید طلوع، چاپ هشتم، تهران: نی.
- ریشه، گی. (۱۳۹۱). *جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز*. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، چاپ اول، تهران: نی.
- ریترز، جورج. (۱۳۷۴). *نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی، چاپ هفتم، تهران: علمی.
- زنگی‌آبادی، علی و مؤیدفر، سعیده. (۱۳۹۱). رویکرد بازآفرینی شهری در بافت‌های فرسوده: برزن شش‌بادگیری شهر یزد. *فصلنامه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر*، (۹)۵، ۳۱۴-۲۹۷.
- صادقی‌فسایی، سهیلا و عرفان‌منش، ایمان. (۱۳۹۴). مبانی روش‌شناختی پژوهش اسنادی در علوم اجتماعی، مورد مطالعه: تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی. *فصلنامه راهبرد فرهنگ*، (۲۹)۸، ۹۱-۶۱.
- صبحی‌زاده، مهشید و ایزدی، محمد سعید. (۱۳۸۳). حفاظت و توسعه شهری: دو رویکرد مکمل یا مغایر. *مجله آبادی*، (۴۳)۱۴، ۲۱-۱۲.
- فرجی ملائی، امین. (۱۳۸۹). انواع روش‌های مداخله در بهسازی و نوسازی شهری. *ماهنامه اطلاع‌رسانی، آموزشی، پژوهشی شوراها*، (۵۴)۳، ۱۱۷-۱۳۴.

- قادری، اسماعیل؛ زمانی مقدم، افسانه و جلالی کنیمی، سید هاشم. (۱۳۹۱). تدوین راهبردهای مدیریتی احیا، توسعه و حفاظت بافت‌های تاریخی (مطالعه موردی منطقه ۱۲ شهرداری تهران). *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، سال پنجم (۱)، ۹۷-۱۱۴.
- کریم‌پور شیرازی، مرجان و کهزادی سیف‌آباد، عمران. (۱۳۹۶). مدل نظری بازآفرینی بافت‌های تاریخی. *فصلنامه پژوهش‌های نوین علوم جغرافیایی، معماری و شهرسازی*، سال اول (۵)، ۲۰۳-۲۲۵.
- کلانتری خلیل‌آباد، حسین؛ صادقی، ساناز و حقی، مهدی. (۱۳۹۵). راهبردهای مرمت در بافت‌های تاریخی شهرها با تأکید بر مدیریت بحران زلزله (مطالعه موردی: محله سیروس تهران). *فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۶(۲۳)، ۶۱-۷۴.
- هولستی، ال. آر. (۱۳۸۰). *تحلیل محتوا در علوم انسانی و اجتماعی*. ترجمه نادر سالارزاده امیری، چاپ دوم، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- Bailey, K.D. (1994). **Methods of Social Research**. New York: The Free Press.
- Blain, C.; Levy, S. E. & Ritchie, B. (2005). Destination branding: Insights and practices from destination management organizations. *Journal of Travel Research*, 43(4), 328-338.
- Chen, C. F. & Chen, F. S. (2010). Experience Quality, Perceived Value, Satisfaction and Behavioral Intentions for Heritage Tourists. *Tourism Management*, 3(1), 29-35.
- Doratli, N.; Hoskara, S. O. & Fasli, M. (2004). An analytical methodology for revitalization strategies in historic urban quarters: A case study of the walled city of Nicosia. *North Cyprus*, 21(4), 329-348.
- English Heritage. (2008). **Conservation Principles: Policies and Guidance for the Sustainable Management of the Historic Environment**. London: English Heritage.
- Hull city council. (2000). **Urban regeneration, to promote urban regeneration and anti-poverty strategies**. Development Plans Team, Kingston Upon Hull.
- Huston, S. & Rahimzad, R. (2014). **Smart Finance for Sustainable Urban Regeneration**. <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2443406>. (Retrieved 29 May. 2014).
- Knight, Christopher; Jenks, M.; Burton, Elizabeth & Williams, Katie. (1996). **The Compact City: Sustainable Urban Form**. London: E & FN Spon.
- Nasser, N. (2003). Planning for Urban Heritage Places: Reconciling Conservation, Tourism, and Sustainable Development. *Journal of Planning Literature*, 17(4), 467-479.
- Ng, M.K. (2005). Quality of life perceptions and directions for urban regeneration in Hong Kong. *Social Indicator Research*, 71(1-3), 441-465.
- Noon, David; Canham, James Smith, & Eagland Noon, Martin. (2000). Economic Regeneration and funding. *Urban Regeneration*. London: A Handbook. 61-85.
- ODPM. (2006). **UK Presidency. EU Ministerial Informal on Sustainable Communities. European Evidence Review papers**. London: Office of the Deputy Prime Minister.
- Furlan, R. & Faggion, L. (2017). Urban Regeneration of GCC Cities: Preserving the Urban Fabric's Cultural Heritage and Social Complexity. *Journal of Historical Archaeology & Anthropological Sciences*, 1(1), 1-7.
- Perarce, G. D. (2001). An Intergrative Framework for Urban Research. *Annals of Tourism Research*, 28(4), 926-948.
- Scott, WA. (1995). Reliability of content analysis. *Public Opin Quart*, 19(3), 15-20.
- Seo, J.K. (2002). Re-urbanization in Regenerated Areas of Manchester and Glasgow: New



Residents and the Problems of Sustainability. *Elsevier*, 19(2), 113-121.

- Sepe, M. (2014). Urban transformation, socio-economic regeneration and participation: two cases of creative urban regeneration. *International Journal of Urban Sustainable Development*, 6(1), 20-41.
- Shen, L. Y.; Ochoa, J. Jorge; Shah, Mona N. & Zhang, X. L. (2011). The application of urban sustainability indicators: A comparison between various practices. *Habitat International*, 35(1), 17-29.
- Stubbs, M. (2004). Heritage-sustainability: developing a methodology for the sustainable appraisal of the historic environment. *Planning Practice & Research*, 19(3), 285-305.
- Vilaplana, Begona. (1998). **Partnership and networks as new mechanisms towards sustainable urban regeneration**. London: university college London.

Received: 2018/04/04

Accepted: 2018/09/26



Presentation of Economic Regeneration Model in Historical Texture Based on Order in Structural Functionalism Theory

Mahmood Mohammadi* Shahriar Nasekhian** Arezoo Izadi***

Abstract

Historical texture can play an important role in the development of cities. Urban sustainable regeneration is one of the recent approaches in historical texture. In this approach, all indicators of sustainable development including economic, social, cultural, management and environmental dimensions have been used in conservation of the historical texture. All the principles of sustainable development have been proposed in regeneration. This research aim is explaining the model of economic regeneration in historical texture based on Parsons Structural Functionalism. Structural Functionalism Theory has identified social system into subsystems which have A (Adaptation functions), G (Goal gratification functions), I (Integration functions), and L (Latent pattern maintenance functions). This theory was based on the concern for the stability or maintenance of social system. This paper merges structural functionalism theory with economic regeneration in historical texture. Documents and statements of regeneration have been restored since the 1990s. The Methodology of this research is documentary method and qualitative content analysis in method. The model has been explained by analyzing documents, statements, charter and previous research. The reliability of the research has been confirmed with a scorecard of 87.6% in the Scott test by the professors and conservation and restoration experts. Economic regeneration was characterized by four dimensions: Economic value, investment, Economic activity in historical texture and Branding. The results of the paper indicate that economic value has the adaptation function; investment has the duty of goal gratification, the function of economic activities in historical texture is integration function and branding has the duty of maintaining latent patterns of economic regeneration in historical textures..

Keywords: Regeneration, Economic Regeneration, Historic Texture, Parsons Structural Functionalism, Social Order

* Assistant Professor, Architecture and Urban Planning Faculty, Art University of Isfahan.

** Assistant professor, Restoration and Conservation Faculty, Art University of Isfahan.

*** PhD Candidate, Restoration and Conservation Faculty, Art University of Isfahan.